گزارش «شرق» از ردخون‌هایی که هرگز پاک نمی‌شود

مرگی با طعم ناموس

نسترن فرخه: «پدر و برادرش او را کشان‌کشان می‌بردند، «م» جلوی چشم فرزندان و همسرش التماس می‌کرده و درخواست کمک داشته تا بتواند همان‌جا، کنار همسر و فرزندانش بماند، اما دیگر از دست هیچ‌کس کاری ساخته نبوده است. در آخر او را به خانه پدری می‌برند و بعد از ضرب و شتم فراوان، موهای سرش را می‌تراشند. چند ساعت بعد، حدود ۳:۳۰ صبح، خبر خودکشی «م» را به امام جماعت روستا می‌رسانند». حالا دیگر «م» نیست و کسی هم از جواب پزشکی قانونی اطلاعی ندارد؛ اینکه «م» پس از رنج فراوان خود طناب داری به گردن آویخته یا تعصبی جنون‌آمیز پدر و برادرش را وادار به این کار کرده است. هرکدام که باشد علتی جز وجود بار معنایی «ناموس» برای این مردمان نداشته. آدم‌هایی که مردسالاری اجازه هر کاری، حتی تصمیم برای اتمام جان یک نفر را به آنها می‌دهد و قانونی که پس از سال‌های سال تلاش همچنان حمایت خاصی برای این قربانی‌ها در نظر ندارد. از نظر بسیاری از فعالان حقوقی، همین خلأهای عیان قانونی عاملی تأثیرگذار در وقایع به‌اصطلاح مسائل ناموسی به شمار می‌رود.

عواملی مؤثر بر مسائل روستاهای مرزی کشور

طبق اظهارات فاطیما باباخانی، تسهیلگر و فعال حقوق زنان، «قطور»، یکی از بخش‌های خوی که شاهد این اتفاق بود، با جمعیتی حدود ۳۵ هزار نفر در محرومیت شدیدی به سر می‌برد. با وجود تعداد زیادی از افراد دانشگاه‌رفته، هیچ‌کدام از کارمندان ادارات منطقه بومی اینجا نیستند. بیشتر افراد دامداری، کشاورزی یا کولبری می‌کنند.

همچنین باباخانی در بخش دیگری از شروع صحبت‌های خود، به عوامل مختلف شکل‌گیری برخی معضلات منطقه اشاره می‌کند؛ اینکه تعداد طلاق در منطقه تقریبا صفر است و همین امر در کنار احتمال زندگی مطابق میل خانواده‌ها، این احتمال را در خود دارد که نشان می‌دهد چقدر در آن منطقه تعصب عشیره‌ای وجود دارد. طبق اظهارات محلی‌ها، کودک‌همسری در این منطقه بسیار بالاست و اغلب دختران از اول یا دوم دبیرستان ترک تحصیل کرده و بعد از آن ازدواج می‌کنند. در کنارش تعدادی از مردهای روستاهای مختلف برای کارگری ساختمان به عراق و ترکیه می‌روند و همین باعث می‌شود در بازه زمانی طولانی شش ماه تا سه سال از همسر و بچه‌های خود دور باشند. همین فرصتی ایجاد می‌کند تا افرادی از زن و کودک رهاشده یک خانواده سوءاستفاده کنند. به نظر برای مورد اخیر هم همین اتفاق افتاد.

از تجربه کودک‌همسری تا مادری ۳ فرزند

باباخانی از شروع ماجرا این‌طور روایت می‌کند: «م» دختری جوان بود که در ۱۴سالگی ازدواج کرد و سه فرزند در سنین نوجوان و کودک داشت. تقریبا هشت روز پیش ویدئویی از ایشان در روستا منتشر شد که ظاهرا خودش این فیلم را گرفته بود. البته من این ویدئو را ندیدم و در این زمینه اظهارنظری نمی‌کنم. خیلی از کسانی که با آنها صحبت کردیم هم این ویدئو را ندیده بودند و آنها هم نمی‌توانند اظهارنظری کنند، اما این را می‌دانیم که در این ویدئو تنها بوده و بخشی از بدنش هم در آن مشخص است که این دست به دست شده. شوهر «م»در روایت اول عنوان کرده وقتی من عراق بودم همسرم این ویدئو را برایم ارسال کرده و با اشتباه بچه‌ها این ویدئو در فضای مجازی پخش شده است. طبق اظهارات محلی‌ها، این ویدئو در برنامه شاد منتشر شده و در آن چند روز که شوهر «م» چنین ادعایی داشته، غائله خوابیده است. اما بعد از آن ویدئو دومی از زن منتشر شده که در آخر مشخص می‌شود انتشار این ویدئوها از طرف مردی بوده که کاشی‌کاری خانه اینها را انجام می‌داده. طی صحبت هم‌محلی‌ها که با مرد انجام دادند، مشخص شده زن آن آقای کاشی‌کار در جهت انتقام‌گیری این کار را انجام داده است.

این فعال حوزه زنان در بین روایت خود اضافه می‌کند: بخشی از ماجرا همین است که ما نسبت به هم‌جنس‌های خود چقدر می‌توانیم خشم و نفرت داشته باشیم تا آنها را به کام مرگ بفرستیم. با توجه به مسائل عرفی، دینی و فرهنگی در کل کشور و حتی در کل جهان، همچنان محدودیت‌هایی به این شکل کماکان وجود دارد. در همین ماجرا شوهر را وادار کردند همسر خود را طلاق دهد، اما شوهر اعلام کرده اول اجازه دهید بررسی و شکایت کنیم که اصلا چه کسی این کار را انجام داده و حتی اگر بخواهم همسرم را طلاق دهم از مسیر قانونی این کار را خواهم کرد. خانواده دختر از روستای الند آمدند، ریش‌سفیدهای محل را جمع کردند و گفتند ما دخترمان را می‌بریم و دامادمان هم باید بپذیرد که دختر ما را طلاق دهد. برادر «م» یادداشتی نوشته و ظاهرا همه امضا کردند و از داماد اثر انگشت گرفتند که همسرش را طلاق خواهد داد. طبق ادعاها دایی دختر پرینت‌هایی از تماس «م» گرفته و گفته ۱۶ تماس به شماره‌های مختلف داشته است. همه اینها روایت‌های محلی است که باید در دستگاه قضا بررسی شود و نمی‌دانم چقدر قابل اتکا خواهد بود.

همسر «م» را کتک زدند تا او را طلاق دهد

طبق گفته‌های باباخانی و به نقل از اهالی محل، خانواده «م» او را به اجبار می‌برند و ادامه می‌دهد: شب بیست‌وچهارم این اتفاقات افتاده است. ساعت هشت شب با تضمین جان «م» که گفته بودند فقط می‌خواهیم از این روستا ببریمش و طلاقش را بگیریم، او را به روستای پدری می‌برند. ساعت ۳:۳۰ نیمه‌شب به امام‌جمعه اعلام شده این دختر خودکشی کرده است. طبق اظهارات محلی‌ها هم «م» و هم همسرش را کتک زدند؛ چون به داماد می‌گفتند باید این زن را طلاق دهد و به زور زن را از فرزندانش جدا کردند. درواقع کشان‌کشان زن را از جلوی چشم فرزندانش بردند؛ به‌طوری‌که همه می‌شنیدند که التماس می‌کرده و درخواست کمک می‌کرده. مسن‌ها و ریش‌سفیدهای روستا مخالف بودند «م» را ببرند. می‌گفتند «م» در روستا بماند و همین‌جا مشکل را با هم حل کنیم، اما برادر و پدر دختر تصمیم خود را گرفته بودند. تقریبا از زمان انتشار این فیلم‌ها به مدت یک هفته سکوتی در روستا حاکم بوده و اهالی روستای پدری «م»، خانواده پدری را تحت فشار قرار داده بودند. مردم روابطشان را قطع کرده بودند و سلام‌علیکی با خانواده «م» نمی‌کردند. به‌نوعی آنها را طرد کرده بودند و این موضوع از نظر روانی برای خانواده پرهزینه بوده است و بر اساس فضای فرهنگی خاص آنجا، وادار به این کار شدند تا مقبولیت خودشان را در این جامعه به دست بیاورند.

قبل از مرگ موهای سرش را تراشیدند

طبق آنچه اهالی دیدند، باباخانی می‌گوید: وقتی «م» را به روستای پدری بردند، به‌شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. طبق ادعای محلی‌ها موهای «م» را به‌طور کامل تراشیدند. در این مورد باید بگویم بین این طوایف موی زنان نادرست را به هدف تحقیر و تنبیه می‌تراشند تا همه بدانند این یک زن بدنام است. پس از آن طبق آنچه خانواده «م» گفتند، «م» خودش را حلق‌آویز کرده است. به هر حال جنازه از پزشکی قانونی تحویل داده شد و دیروز هم مراسم ختم گرفتند، اما ما از علت دقیق مرگ و جواب پزشکی قانونی اطلاعی نداریم.

رد این خون‌ها تا سال‌های سال پاک نمی‌شود

با توجه به دست‌به‌دست شدن این ویدئو بین اهالی روستا و وخیم‌شدن شرایط، باباخانی می‌گوید: اول اینکه ویدئو دست‌به‌دست شده و خیلی‌ها آن را دیده‌اند، اما در همین بین شرافت انسانی برخی آن‌قدر آنها را حساس کرده که حتی ثانیه‌ای از آن فیلم را هم ندیدند. با دخترهای دانش‌آموز صحبت می‌کردم که می‌گفتند در مدرسه ما این فیلم را دیدیم و مسخره می‌کردیم و می‌خندیدم. این اتفاق یک آلارم جدی درباره توقف هر شکل از خشونت نسبت به زنان است. ممکن است این موضوع افراد را به سمت رفتارهای پرخطر سوق دهد. در جامعه‌ای که سرکوب بیش از حد نسبت به زنان وجود دارد، احتمال رفتارهای ضد اجتماعی در خفا برای زنان بیشتر است.

حتی احتمال خیانت و روابط خارج از زناشویی بیشتر است که عواقب بسیار وحشتناکی دارد. طایفه و عشیره در این مناطق اولویت خانواده‌هاست و خانواده در برابر آن نمی‌تواند مقاومت کند؛ پس برای اینکه بتواند سر زمین برود، به دام‌های خود برسد و به‌طور کلی زندگی کند، باید در منطقه مقبولیت داشته باشد. ما باید در این مورد فرهنگ‌سازی کنیم. به بچه‌ها یاد دهیم در بزرگسالی روابط متعهدانه ایجاد کنند. روایتگر امور خصوصی دیگران نباشیم. این مسائل به فرهنگ‌سازی نیاز دارد و از طرفی سال‌هاست «قطور» دچار آسیب‌های اجتماعی شده است و به‌شدت در معرض خطر رخدادهای ناگوار اخلاقی قرار دارد؛ پس باید مداخله صورت گیرد. یکی از نیازهای منطقه، مدرسه، کتابخانه و مرکز بهداشت است. باید آموزش عمومی صورت گیرد و حتما باید دولت مداخله کند و نمی‌شود این مناطق به‌عنوان یک نقطه مرزی رها شود.

این تسهیلگر و فعال حقوق زنان که روز گذشته در منطقه حضور داشته است، می‌گوید: چیزی که دیروز در حال این مردم دیدم، یک ناامیدی عجیب در روحیه آنها بود. زن‌کشی یا هر چیزی که مبتنی بر مفاهیمی مثل ناموس، غیرت، آبرو و این مسائل است، در این مناطق وجود دارد. مثلا آمار طلاق صفر است؛ چون فرهنگ‌شان اجازه نمی‌دهد زنی که به هر دلیل با همسرش به مشکلات لاینحل خورده، طلاق بگیرد؛ پس سراغ خودسوزی و خیانت می‌رود یا زن در شرایطی قرار می‌گیرد که دیگری او را بکشد. بچه‌ها این مسائل را می‌بینند و جلوی چشم بچه‌ها این اتفاق‌ها می‌افتد. به‌شدت نیاز داریم تا در این مسائل آگاهی‌رسانی داشته باشیم. به نظر بهزیستی، آموزش‌وپرورش و علوم پزشکی در این مناطق می‌توانند کارهای زیادی کنند و نتایج مثبت و پایدار خود را هم ببینند. حقیقتا من منتظر بودم سازمان‌هایی مثل پیشگیری از جرم و افرادی از حوزه زنان به ماجرا ورود کرده و آسیب‌شناسی کنند تا راه چاره پیدا شود، اما به نظرم بی‌توجهی وجود دارد. متولی امور زنان باید بگوید برای فرهنگ‌سازی این زنان چه کاری انجام داده و برای خشونت‌های مبتنی بر ناموس چه برنامه‌هایی دارد. برای مثال آمار خودسوزی زنان در این منطقه وجود دارد. نکته شایان تأمل این است که تمام کسانی که الان پای کار آمده‌اند و سعی دارند خشونت‌های جنسیتی کم شود، آقا هستند. درواقع فعالان فرهنگی مرد به‌شدت با تلاش کار می‌کنند. سعی داشتند به اهالی آگاهی دهند تا این خانم را قضاوت نکنند و مردم روستا ویدئو را از گوشی‌های خود پاک کنند و دیگر آن را دست‌به‌دست نکنند که به نظر خیلی ارزشمند بود و باید حضور مردان برای توقف این چرخه خشونت را نتیجه‌ای مثبت بدانیم. در کنارش با بخشی از مردم منطقه صحبت می‌کردم که حتی کنجکاوی‌شان هم اجازه نداده بود این ویدئو را ببینند. این مسائل روشن می‌کند که دیدن و دست‌به‌دست کردن این فیلم‌ها خود نوعی مشارکت در رفتارهای خشن پس از آن است و فکر می‌کنم این زنگ خطر و هشداری است که اگر دفعه بعدی هم وجود داشت، با رفتار درست هرگز در آن اتفاق و خشونت سهیم نشوند.

همچنین باباخانی اضافه می‌کند: نبود قوانین کافی حمایتی برای زنان و امنیت آنها در عرصه عمومی و خصوصی، با وجود سنت‌ها و فرهنگ سختگیرانه، به بازتولید خشونت منجر می‌شود. ما نیاز به اقدامات فرهنگی و اجتماعی اصیل داریم. در فقدان مداخلات تخصصی دولتی نباید دست روی دست گذاشت. اولا به‌شدت باید از اصلاحات فردی در تک‌تک افراد و از خود شروع کنیم، در حریم خصوصی و شخصی افراد به‌ویژه زنان سرک نکشیم. هیچ مجوزی برای این تجسس و کنکاش در حریم شخصی وجود ندارد و باید به‌شدت نسبت به رعایت حریم شخصی دیگران حساس باشیم. از طرفی ارتقای آگاهی عمومی و رسوخ آن در تمام طبقات اجتماعی، تلاش ویژه رسانه‌ها، پژوهشگران و فعالان مدنی را می‌طلبد. باید بتوانیم نه‌تنها ظاهر مفاهیم، بلکه محتوای اصلی اصول انسانی و حدود فردی را در جوامع مختلف، حتی نقاط دور از دسترس مرزی و... نهادینه کنیم. در نهایت، هم کم‌کاری‌هایی درباره ایجاد قوانین کافی در حمایت از زنان و جایگاه اصیل آنها در عرصه خصوصی و عمومی و هم خلأهای فرهنگی مردسالارانه و ناآگاهی جمعی اجتماعات محلی، همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا یک جنایت فجیع را رقم بزنند؛ جنایتی که نمی‌توان تا سالیان دراز رد خون آن را از خاک شست.

نگاه

آنچه که باید بدانیم

نگاه حقوقی به مجازات قتل فرزند توسط پدر

مطابق ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد؛ بنابراین یکی از شرایط قصاص فقدان رابطه پدر و فرزندی میان قاتل و مقتول است. مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی درصورتی‌که پدر یا جد پدری فرزند خود را به قتل برساند، قصاص نمی‌شود و باید دیه کامل به ورثه پرداخت شود و در صورتی که شریک جرم باشد، نصف دیه کامل را دریافت کنند. قانونا و در شرایط عادی مجازات قتل عمد قصاص است. اما مطابق قانون مجازات اسلامی درصورتی‌که فرزند توسط پدر خود به قتل عمد برسد، پدر قصاص نمی‌شود. اما طبق ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی پدر مکلف به پرداخت دیه به وراث فرزند می‌شود.

علاوه بر دیه مقررشده طبق ماده ۶۱۲ قانون مجازات‌های اسلامی چنانچه عمل قتل فرزند باعث رعب و وحشت و اخلال در جامعه شود، محکومیت تعزیری بر قاتل اعمال می‌شود که محکوم به سه تا ۱۰ سال حبس می‌شود. توجه داشته باشید که مجازات کشتن فرزند توسط پدر و جد پدری قابل سرایت به مادر و سایر اعضای خانواده نیست و این معافیت فقط مشمول پدر و جد پدری است؛ بنابراین اگر مادر فرزند خود را به قتل برساند به قصاص محکوم می‌شود.

مجازات کشتن فرزند توسط پدر معاونت پدر در جرم قتل فرزند

گاهی قتل فرزند به دستور یا هماهنگی پدر انجام می‌گیرد اما عمل قتل را فرد دیگری مثل برادر یا کسانی از خانواده و خویشاوندان مرتکب می‌شوند. حسب ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی شخص قاتل محکوم به قصاص می‌شود و معاونت پدر و کسانی دیگر درباره قتل فرزند به مدت سه تا ۱۵ سال محکوم به حبس می‌شوند. طبق موارد فوق اگر قاتل فرزند، پدر باشد ولی به همراهی و معاونت فرد دیگر این کار را انجام داده باشد، با توجه به تقاضای ولی دم فرزند، قاتل را به قصاص محکوم می‌کنند اما پدر مقتول همچنان محکوم به پرداخت دیه یا حبس تعزیری می‌شود.

پدر یا مادری که فرزند خود را به صورت تکی یا با همکاری یکدیگر به قتل رسانده باشند طبق قانون ارث به آنها تعلق نمی‌گیرد و از دیه‌ای که بابت قتل ارتکابی به اولیای دم می‌پردازد، ارث نمی‌برد و اگر خودش تنها وارث باشد، دیه به بیت‌المال تعلق خواهد داشت، زیرا مطابق ماده ۸۸۰ قانون مدنی قتل از موانع ارث است.

چنانچه چند نفر با مشارکت همدیگر شخصی را به قتل برسانند، همه آنها باید مجازات شوند و به قصاص محکوم می‌شوند. به این دلیل که هرکدام از افراد در قتل شخص نام‌برده مشارکت کرده‌اند و باید به اندازه خود در قتل، مجازات شوند. در صورتی که ولی دم از آنها درخواست دیه قتل کند، باید هرکدام از قاتلین یک‌سوم دیه خود را پرداخت کنند، حال ممکن است فرض این جرم بر قصاص باشد، ولی دم می‌تواند همه قاتلان را قصاص کرده یا برخی را قصاص کند ولی در هر صورت هرکدام از قاتلان بنا به سهم خود که مجرم این قتل هستند، باید دیه شخص مقتول را پرداخت کنند. حتی ولی دم می‌تواند با دریافت دیه برخی از قاتلان را عفو کند و از آنها بگذرد.

طبق این موضوع و براساس نظریه فقها و حسب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، هرگز پدر قاتل را قصاص نمی‌کنند و همین‌طور در این خصوص باید ذکر شود که خون مقتول نباید پایمال شود، ازاین‌رو پدر باید دیه را پرداخت کند.

حسب ماده ۸۸۰ قانون مدنی، درصورتی‌که پدر یا مادری فرزندان خود را به قتل برسانند از ارث محروم خواهند شد، حال چه با مشارکت با سایر افراد این کار صورت گرفته باشد چه به صورت تکی و انفرادی این کار را به انجام برسانند یا حتی اسباب آن را برای قاتلان فراهم کنند. در هر صورت والدین قاتل از ارث محروم خواهند شد.

جدول ۴۴۷۵ • طراح: بیژن گورانی

افقی:
۱- سخن‌گفتن- کدخدا- درختی با برگ‌های پنجه‌ای ۲- سوره بنی‌اسرائیل- برادر حضرت موسی(ع)- نجات‌یافتن ۳- زهر- از ادوات ورزش باستانی- عطا و بخشش- نگاه خیره ۴- چه غریبانه رفتند از این خانه- خصلت‌های نیکو- پاک و پاکیزه ۵- نماد پرویی است- محله صدمیدان در شمال شرق تهران ۶- بیماری- گریزان- نظریه ۷- یکی از سه حالت ماده- زیاده‌روی در تشریفات- هراس ۸- پول ژاپن- ستاره‌شناس نامدار دانمارکی- دو یار هم‌قد ۹- مکعب جورچین- دهمین خلیفه اموی- دانش ذاتی ۱۰- ستیزه‌کردن- بدرود- نشانه ۱۱- هدایت‌کننده- مأمور تشریفات عصر صفوی ۱۲- شکاف باریک- گوشه‌ای در دستگاه همایون- نوعی قایق پارویی ۱۳- خاک سفالگری- مربوط به فصل اول سال- فرآورده حجیم‌شده بلغور ذرت- ضمیر دوم شخص مفرد ۱۴- عجله و تندی- صداقت- زبان کوچک ۱۵- بیزاری- به تنهایی- هزینه زندگی همسر و فرزندان

عمودی:
۱- پیروی‌کردن- شهرستانی در استان اصفهان- ریز نیست ۲- از توابع استان گیلان- کتاب طب ابن‌سینا- رویدن ۳- حاکمان زندیه از این قوم بودند- مطابق قانون و عرف اداری- آشکار- برای بیان نفرت به کار می‌رود ۴- مادر- آنتیک- پستانداری درنده و گوشتخوار ۵- همراه عروس- دومین روز هفته ۶- طبل بزرگ- ضدحمله- تعاون ۷- نشانه جمع فارسی- قلعه تاریخی دیدنی در رامسر- فهم و شعور ۸- کناره- هرج‌ومرج- فرمان توقف ۹-خاستگاه هنر تئاتر- آشکار و هویدا- ماهی کنسروی ۱۰- بسته‌شدن پیمان- ورم- چربی ۱۱- شهر سرو کهن در استان یزد- زاهد گوشه‌نشین ۱۲- ترش‌رویی- همسرگزیده- دستگاه پخش همراه ۱۳- تکرارش دانه تند خوراکی است- زمخت و بدقواره- نقاش نامدار اسپانیایی- درهم‌پیچیدن ۱۴- روزی‌دهنده- منسوب به یمن- چاردیواری مسقف ۱۵- مقابل فرعی- پایان، انتها- این ... چو من عاشق زاری بوده است.

سودوکو سخت ۳۴۷۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳	۷	۶	۱					۵
		۵			۷	۴		
			۸				۷	
۱		۳						
			۹	۸	۵			
						۶		۲
	۸				۳			
		۴	۶			۹		
۹					۸	۱	۳	۴

حل سودوکو سخت

۶	۹	۳	۴	۵	۱	۸	۲	۷
۲	۷	۱	۸	۹	۶	۴	۳	۵
۸	۵	۴	۲	۷	۳	۶	۱	۹
۵	۳	۷	۶	۲	۸	۱	۹	۴
۴	۲	۹	۵	۱	۷	۳	۸	۶
۱	۸	۶	۳	۴	۹	۷	۵	۲
۹	۱	۵	۷	۸	۴	۲	۶	۳
۳	۴	۲	۱	۶	۵	۹	۷	۸
۷	۶	۸	۹	۳	۲	۵	۴	۱

حل سودوکو ۳۴۷۰

۴	۲	۳	۸	۱	۹	۶	۷	۵
۹	۷	۱	۳	۶	۵	۲	۸	۴
۸	۶	۵	۷	۴	۲	۱	۹	۳
۲	۳	۷	۴	۹	۶	۸	۵	۱
۵	۴	۶	۱	۸	۷	۳	۲	۹
۱	۸	۹	۲	۵	۳	۴	۶	۷
۳	۹	۸	۶	۷	۱	۵	۴	۲
۶	۵	۲	۹	۳	۴	۷	۱	۸
۷	۱	۴	۵	۲	۸	۹	۳	۶

سودوکو ساده ۳۴۷۱

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو
سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۲			۴	۵				۱
۹	۵	۴				۲		
	۶			۳				۸
	۳			۹	۷		۶	
	۷	۹	۲		۳	۸	۱	
	۴		۵	۶			۷	
۸				۲			۵	
		۷				۳	۸	۹
۳				۸	۹			۴

حل جدول ۴۴۷۴

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	چ	ا	ن	م	ر	ی	م	■	پ	ا	و	ر	ق	ی	■
۲	ا	ف	ش	ی	ن	■	ق	ز	و	ی	ن	■	ا	ن	ه
۳	م	ت	ر	و	■	س	ر	ا	پ	ا	■	م	ر	ا	م
۴	و	ا	■	پ	ی	ک	ن	ی	ک	■	ا	ب	و	ل	ا
۵	س	ب	ا	■	خ	ا	س	ر	■	ت	م	د	ن	■	ی
۶	■	م	ت	ر	ن	م	■	ی	ن	ب	و	ع	■	ش	ر
۷	ا	ه	ا	ل	ی	■	ی	ز	د	ا	ن	■	ق	ب	ح
۸	ر	ت	ب	ه	■	ش	ا	ی	ب	ه	■	ت	ب	س	م
۹	ک	ا	ک	■	ق	ا	ه	ر	ه	■	ت	ر	ا	ک	ت
۱۰	ا	ب	■	م	ر	ط	و	ب	■	ت	ا	ب	ل	و	■
۱۱	ن	■	چ	د	ا	ر	■	ا	ن	د	ک	■	ه	ت	ک
۱۲	ز	ا	ک	ر	س	■	م	ر	ک	ب	ا	ت	■	ک	م
۱۳	ا	م	ا	ن	■	د	ر	ا	و	ر	■	ج	و	ب	■
۱۴	س	ا	ل	■	ک	م	ی	ن	ه	■	ا	ر	ز	ی	ز
۱۵	■	ر	ی	ش	خ	ن	د	■	ش	ب	ه	ق	ا	ر	ه